

گزارش

پزشکیان: مردم را به خودی و غیر خودی تقسیم نکنیم

رئیس‌جمهور با تأکید بر ضرورت بهره‌گیری از نخبگان عرصه‌های مختلف در مدل مدیریت محله‌محور گفت: شمولیت عام نگاه مدیران دولتی در پیشبرد اهداف این طرح بسیار مهم است. اینکه اجرای راه کارها را شعار محوری فعالیت دولت چهاردهم اعلام کردیم، برای این نبود که بر مبنای این شعار باز هم دسته‌بندی و دعوا به راه بیندازیم، بلکه این شعار را مطرح کردیم تا حول آن وفای کرده و دعوا و اختلاف را خاتمه دهیم. مسعود پزشکیان صبح دیروز در نشست با استانداران سراسر کشور که به منظور مرور اقدامات انجام‌شده برای اجرای «برنامه مدیریت محله‌محور» برگزار شده بود، اولین نکته مد نظر خود در این زمینه را کیفیت نگاه مسئولان و مدیران اجرای طرح دانست و در توضیح آن اظهار کرد: آن چیزی را می‌توانیم دنبال و اجرا کنیم که می‌بینیم؛ اگر نگاه ما به سند چشم‌اندازی باشد که هدف آن قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران در جایگاه اول منطقه و الهام‌بخش بودن آن است، می‌توانیم به چنین جایگاهی برسیم. رئیس‌جمهور با بیان اینکه وقتی نگاه ما به اهداف سند چشم‌انداز باشد، اولین گام این است که ببینیم برای رسیدن به این هدف چه باید کرد، افزود: اجرای طرح مدیریت محله‌محوری، به منظور بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های مردمی و مشارکت‌دادن جدی آنها در اداره کشور دنبال می‌شود. در این مدل مدیریت می‌توان اهداف را خیلی روان‌تر و مؤثرتر دنبال و محقق کرد. پزشکیان تلاش برای مدیریت تازاری‌های انرژی و نیرو، به‌ویژه در آستانه فرارسیدن فصل سرما را از جمله اهدافی دانست که از مسیر مدیریت محله‌محور می‌توان به شکلی مؤثرتر آن را دنبال کرد و گفت: اگر بتوانیم فقط ۱۰ درصد مصرف انرژی کشور را کاهش دهیم، معادل ۸۰۰ هزار بشکه نفت صرفه‌جویی خواهد شد. این هدف با صدور بخش‌نامه و دستور تحقق‌یافتنی نیست، بلکه باید از طریق راهکارهایی مثل همین مدل مدیریت محله‌محوری و قانع‌سازی به دنبال محقق‌شدن آن بود. رئیس‌جمهور با تأکید بر ضرورت بهره‌گیری از نخبگان و متخصصان عرصه‌های مختلف در مدل مدیریت محله‌محور تصریح کرد: نکته مهم دیگر در این زمینه، شمولیت عام نگاه مدیران دولتی در پیشبرد اهداف این طرح است. درحال‌حاضر دستگاه‌ها، سازمان‌ها و تشکلات مختلفی در زمینه رسیدگی به مشکلات مردم مشغول تلاش هستند که هرکدام از آنها یک جمعیت هدف مشخص دارند، اما شما استانداران به عنوان نمایندگان دولت و متولیان اصلی امور هر استان و مردم آن، باید به دنبال رسیدگی به مطالبات و رفع مشکلات همه مردم بدون هیچ استثنایی و کاملاً بر مبنای عدالت باشید. پزشکیان با اشاره به اینکه مردم باید اطمینان یابند که مسئولان اجرایی تحت هر شرایطی به تأمین نیازها و رفع مشکلات آنها توجه دارند، خاطرنشان کرد: اگر مردم ببینند که ما به دنبال رفع دغدغه‌های آنها هستیم، آنها نیز تمام ظرفیت و توان خود را برای کمک به ما به میدان می‌آورند. هدف اصلی ما از طرح مدیریت محله‌محوری، جلب مشارکت مؤثر و جدی مردم در اداره امور است. رئیس‌جمهور اضافه کرد: وقتی مردم ببینند که مسئولان با همه توان به دنبال خدمتگزاری خالصانه به آنها هستند، تنش‌های اجتماعی و رازشایی‌ها نیز کاهش می‌یابد؛ به شرط آنکه مردم را به خودی و غیرخودی تقسیم نکنیم و اجرای عدالت را در حق همه آنها دنبال کنیم. اینکه اجرای عدالت را شعار محوری فعالیت دولت چهاردهم اعلام کردیم، برای این نبود که بر مبنای این شعار باز هم دسته‌بندی و دعوا به راه بیندازیم، بلکه این شعار را مطرح کردیم تا حول آن وفای کرده و دعوا و اختلاف را خاتمه دهیم؛ براساس فرهنگ قرآنی حتی شتاعت قولی نباید باعث فروگذاشتن منش و خدمتگزاری عادلانه ما شود. پزشکیان در ادامه سخنانش با تأکید بر اهمیت به اشتراک گذاشتن تجربیات موفق در زمینه مدیریت محله‌محور اظهار کرد: ما برای حل مشکلات مردم مسئولیت پذیرفته‌ایم و وقتی مردم ببینند که ما دغدغه آنها را دغدغه خود می‌دانیم، همان‌گونه که در جنگ تحمیلی ۱۲روزه پای نظام و کشور ایستادند، باز هم ما پشتیبانی خواهند کرد؛ در جهانی که قدران به دنبال زورگشتن به بقیه هستند، فقط تکیه بر مردم است که به ما قوت و توان ایستادن در برابر زیاده‌خواهی‌ها را می‌دهد.

یادداشت

اجلاس شرم‌الشیخ

روابط چین با منطقه عمدتاً بر تعاملات اقتصادی و خرید نفت و صدور کالا استوار است. به همین ترتیب، کشورهای اروپایی نیز در موقعیت ممتازی در منطقه قرار ندارند. سقوط دولت اسد و تضعیف گروه‌های محور مقاومت در دو سال گذشته نیز در شکل‌گیری شرایط جدید مؤثر بود. به ایجاد فضای بیشتری برای اسرائیل به عنوان متحد واشنگتن و نیاز بیشتر کشورهای منطقه به جلب نظر آمریکا برای مهار توسعه‌طلبی اسرائیل کمک کرده است. طرح صلح ترامپ را می‌توان خروجی چنین شرایطی دانست.

هم‌زمان، هماهنگی ترامپ با مقامات هشت کشور عربی و اسلامی در جریان نشست اخیر در سازمان ملل در حمایت سریع آنها از طرح ترامپ نیز مهم بود. اگرچه بیانهٔ این کشورها در لایه دود و شوش حاوی تحفظ‌ها و سؤالاتی بود، اما ظاهر آن که حاکی از استقبال از طرح و تمجید از ترامپ بود، برای پیشبرد طرح کفایت می‌کرد. در مورد اینکه چرا این هشت کشور به‌رغم تحفظ‌ها و ملاحظه‌ها در مجموع با آمریکا همسکari می‌کنند، می‌توان به ملاظمت‌ا و نیازهای این کشورها در حوزه‌هایی مانند ثبات منطقه، مهار اسرائیل و کاهش سطح تنش و جنگ در منطقه، مشکل مشروعیت داخلی، دستور کار اقتصادی و دیپلماتیک آنها، رفع نیازهای انسانی مردم غزه و جلوگیری از ادامه نسل‌کشی و دانش‌ت نفوذ و حضور در روندهای سیاسی بعد از آتش‌بس اشاره کرد. به‌علاوه، این دولت‌ها به کمک‌های نظامی و اطلاعاتی و تضمین امنیت‌شان توسط آمریکا و نیز کمک‌های اقتصادی آمریکا نیاز دارند و حمایت‌نکردن از طرح ترامپ می‌توانست برای آنها بسیار به‌زحمتی باشد.

حمایت این کشورها از ابتکار ترامپ بیش از آنکه ناشی از تمایل واقعی آنها باشد، محصول محدودیت‌های موجود، فقدان مسیر جایگزین برای مدیریت بحران‌ها در خاورمیانه و تقویت موقعیت آمریکا در منطقه طی دو سال گذشته است. اکنون آمریکا به‌وضوح دنبال یک صلح آمریکایی در منطقه است؛ صلحی که در چارچوب قواعد و ضوابط مطلوب آمریکا تعریف شده باشد. امروزه قدرت‌های رقیب آمریکا حضور ملموس و مؤثری مشابه دوره شوروی سابق در خاورمیانه ندارد.

تحولات اشاره‌شده منشأ اصلی صف‌آرایی‌های جدیدی نه‌تنها در منطقه، بلکه در سطح بین‌المللی است. اینکه ظاهراً چین و روسیه به اجلاس شرم‌الشیخ دعوت نشده‌اند، نشانه بسیار مهمی است که حکایت از عمیق‌شدن رقابت بین قدرت‌های بزرگ و بازآرایی صفوف در خاورمیانه متناسب با آن دارد. دعوت از ایران به نشست شرم‌الشیخ می‌تواند حاکی از این باشد که هنوز از نظر آمریکا، ایران به طور کامل در زوایه چین و روسیه قرار ندارد. اظهارات اخیر فرمانده ترامپ در روزهای اخیر نیز در همین راستا می‌تواند حاکی از تمایل آمریکا به اجتناب از تنش بیشتر در روابط دو کشور باشد. به طور کلی، با توجه به سیاست داخلی آمریکا و نیز اولویت آمریکا برای تمرکز بر رقابت بین قدرت‌های جهانی به‌ویژه چین، به نظر می‌رسد ترجیح آمریکا اجتناب از وقوع جنگ دیگری علیه ایران است. از آنجا که فحله اسرائیل به ایران مستلزم اجازه آمریکاست، محتمل نیست که اسرائیل چنین اقدامی را در دستور کار داشته باشد. البته البته ادامه غنی‌سازی در ایران و برخی تحولات دیگر می‌تواند شرایط را متحول کند. باین‌حال، مادامی که توافقی که باید جایگزین برجام شود حاصل نشده، آمریکا فشار تحریم‌ها و حتی افزایش آن را ادامه خواهد داد.

نگاهی به معادلات سیاسی و دیپلماتیک تهران برای رد دعوت مصر در گفت‌وگو با محمد ایرانی

پشت درهای شرم‌الشیخ

عبدالرحمن فتح‌اللهی: تصمیم ایران برای حضورنیافتن در اجلاس شرم‌الشیخ را می‌توان یکی از نقاط بحث‌برانگیز در سیاست خارجی هفته‌های اخیر دانست. هرچند وزارت امور خارجه با تأکید بر بررسی‌های کارشناسی و مصالح ملی، این تصمیم را توجیه کرده، اما واقعیت آن است که در شرایط انسداد دیپلماتیک و انزواي نسبی ایران در صحنه بین‌المللی، حضور در چنین نشست‌ی می‌توانست فرصتی برای ابتکار منطقه‌ای و بازسازی اعتبار گفت‌وگویی تهران باشد. در شرایطی که فضای جهانی نسبت به پرونده هسته‌ای ایران در وضعیت رکود و تنش است، هرگونه تحرک دیپلماتیک حتی نمادین هم می‌تواند پیام روشنی از آمادگی ایران برای تعامل عقلانی و چندانجانبه‌گرایانه مخابره کند. اجلاس شرم‌الشیخ، با محوریت گفت‌وگوهای منطقه‌ای و نقش کشورهای مؤثر خاورمیانه، می‌توانست بستری برای بازتعریف جایگاه ایران در معادلات جدید باشد؛ جایگاهی که اکنون بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازسازی است. توضیحات عباس عراقچی درباره عدم امکان گفت‌وگو با کشورهاییه که «به مردم ایران حمله کرده‌اند»، اگرچه از منظر اخلاقی و احساسی قابل درک است، اما از منظر واقع‌گرایی سیاسی با چالش مواجه است. دیپلماسی، هنر گفت‌وگو با مخالفان و حتی دشمنان است. نه تعامل صرف با دوستان. ایران در گذشته توانسته با دشمنان سرسخت خود به تفاهم و آتش‌بس برسد؛ ازاین‌رو رد دعوت بیش از آنکه نشانه اقتدار باشد، بیانگر تداوم نوعی انفعال، فقدان ابتکار عمل و فرصت‌سوزی در سیاست خارجی است که ممکن است هزینه‌های بلندمدتی در روابط منطقه‌ای و جهانی در پی داشته باشد. برای تحلیل عمیق‌تر ابعاد سیاسی و دیپلماتیک تصمیم جمهوری اسلامی ایران درباره حضورنیافتن در اجلاس شرم‌الشیخ، با محمد ایرانی، سفیر پیشین کشورمان در کویت، لبنان و اردن، به گفت‌وگو نشستیم تا تکیه بر تجربه و شناخت او از معادلات پیچیده منطقه‌ای، فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از رد این دعوت را به شکلی دقیق و کارشناسانه بررسی و تبیین کنیم.

●●●

جناب ایرانی، از روز یکشنبه موضوع دعوت از ایران و عدم اجابت آن برای حضور در اجلاس شرم‌الشیخ درباره توافق صلح و پایان‌دادن به جنگ غزه محل بحث فراوان است. قبل از پاسخ تهران به این دعوت، بسیاری توصیه کردند که ایران در این اجلاس حضور پیدا کند و این یک فرصت دیپلماتیک برای ایجاد وضعیت جدید و خروج از بحران خواهد بود که در نهایت تصمیم بر این شد که ایران در شرم‌الشیخ حضور پیدا نکند. از منظر حضرت‌عالی، این اجلاس می‌توانست برای ما یک فرصت باشد؟ آیا فضایی را فراهم می‌کرد که از شرایط کنونی خارج شویم؟

ببینید، طرح ۲۰ماده‌ای ترامپ برای پایان‌دادن به یک نسل‌کشی که طی دو سال گذشته و در سکوت جهانیان شکل گرفته بود، یک اتفاق بسیار مهم است و اجلاس شرم‌الشیخ مصر هم در راستای اجرakردن آن بود. بنابراین قطعاً حضور نماینده‌ای از جمهوری اسلامی ایران در هر سطح می‌توانست مثبت باشد. به‌خصوص آنکه قبلاً ایران به شکل ضمنی موافقت خود را با این طرح اعلام کرده بود. به هر حال از ابتدای این نسل‌کشی و جنایت بی‌سابقه اسرائیلی‌ها در غزه، جمهوری اسلامی ایران همواره از هر تلاشی برای توقف این نسل‌کشی حمایت کرده بود. اما نتاییهو به دنبال اهداف و منافع دیگری از ادامه کشتار در غزه بود و اعتقادی به توقف این جنگ نداشت. از این منظر، جمهوری اسلامی ایران طبیعتاً باید از پایان کشتار و جنگ استقبال می‌کرد که کرد؛ و وزارت خارجه هم بیانه نسبتاً مناسبی برای حمایت از طرح ۲۰ماده‌ای ترامپ داشت.

در یک گزاره احتمالی شاید عدم حضور ایران در نشست شرم‌الشیخ به دلیل همین نوع موضع‌گیری کلی‌گویانه در قبال طرح ۲۰ماده‌ای ترامپ باشد، چون تهران با وجود آنکه از این طرح به شکل ضمنی حمایت کرد، اما هیچ‌گاه در بیانه خود یا در موضع‌گیری‌ها اشاره مستقیمی برای پیوستن ایران به این طرح نداشت. به هر حال این تصور وجود دارد که بسیاری از خطوط قرمز ایران لحاظ نشده و نسبت به اجرashدن کل توافق هم نوعی بدبینی شکل گرفته است.

حالا اینکه بذهای اصلی این توافق آتش‌بس در آینده اجرا خواهد شد یا نه یا می‌تواند تضمینی برای پایان‌دادن به جنگ در غزه باشد، مسئله دیگر است. اما به هر حال در هر نقطه‌ی ما، شاهد تبادل اسرا بودیم که اتفاق بسیار مثبتی است. اما موضوع عدم حضور ایران در نشست شرم‌الشیخ مسئله دیگری است. به هر حال، ترامپ طرح ۲۰ ماده‌ای را مطرح کرد که باعث توقف جنگ شد و ایران پیش‌تر از آن حمایت کرده و این ابتکار عمل هم شکل گرفت که به پیشنهاد ترامپ و میزبانی السیسی، تعدادی از سران کشورهای منطقه و فرامطقه‌ای برای امضای این توافق در مصر حاضر شوند و عبدالفتاح السیسی هم به عنوان رئیس‌جمهور مصر از مسعود پزشکیان دعوت کرد. ابتدا گمانه‌زنی درباره این دعوت مطرح بود. بعد تأیید شد چنین دعوتی در دستور کار است و وزیر خارجه مصر این دعوت‌نامه رسمی را به منهای خود یعنی آقای عراقچی ابلاغ کرده است که طبق گفته وزیر امور خارجه، به دلیل حضورنیافتن آقای پزشکیان در این اجلاس، از او مصر غرضخواهی شده است. بعداً از خود آقای عراقچی دعوت شده که در سطح وزیر امور خارجه، نماینده‌ای از ایران در این نشست حضور پیدا کند که در جواب عنوان داشته بعد از بررسی پاسخ خواهند داد و نهایتاً اعلام شد که ایران حتی در سطح وزیر امور خارجه هم در این اجلاس حضور پیدا نخواهد کرد. آقای بقابی، سخنگوی وزارت خارجه هم در پاسخ به چرایی عدم حضور نماینده‌ای از ایران عنوان کرده که در نشست‌های درون و بیرون وزارت خارجه، تمام ابعاد و زوایای این مسئله بررسی شده است. در نهایت به این جمع‌بندی رسیدند که حضور ایران به مصلحت نیست. از این به بعد، تحلیل‌ها و تفسیرهای سیاسی و رسانه‌ای متنوعی وجود دارد و هر کارشناس و رسانه‌ای از زاویه سیاسی خود به این مسئله نگاه می‌کند.

تصور خودتان چیست؟ آیا این می‌توانست برای ما فرصت باشد؟

به نظر من باید بین حضور و بین مشارکت یک تفاوت قائل بشویم. به این معنا که حضور ایران در اجلاس شرم‌الشیخ یک اتفاق مثبت می‌بود و اگر هیبتی از ایران، در هر سطحی در مصر حضور پیدا می‌کرد، یک فرصت می‌بود و تصور نمی‌کنم اتفاق خاصی هم برای ما می‌افتاد. اما مسئله مشارکت چیز دیگری است؛ مشارکت به این معناست که هیبتی از ایران به اجلاس شرم‌الشیخ برود و در تمام بحث‌ها و روندهای طرح ۲۰ماده‌ای ترامپ حضور

فعال داشته باشد. اما ما می‌توانستیم به مصر برویم، در عین حضور فعال، خطوط قرمز و ملاحظات خودمان را به همه طرف‌ها اعلام کنیم، کم‌اینکه در بسیاری از نشست‌ها و اجلاس‌ها، ما سابقه چنین تحرکات دیپلماتیکی را داریم.

واقعا حضور در اجلاس شرم‌الشیخ تا چه اندازه کمک کننده بود؟

اگر در اجلاس شرم‌الشیخ حضور پیدا می‌کردیم، تا حد بسیار زیادی می‌توانست به خروج ایران از بن‌بست دیپلماتیک کمک کند، به‌ویژه اینکه از ما رسماً دعوت شده بود و این به معنای آن است که طرف‌های مقابل، اهمیت و وزن جمهوری اسلامی ایران را در معادلات منطقه‌ای به رسمیت شناخته‌اند. بنابراین جا داشت که ما هم از این فرصت استفاده می‌کردیم تا ضمن صحنه بر این وزن و توانایی دیپلماتیک خود در معادلات منطقه‌ای، با هوشمندی و انعطاف، از فرصت ایجادشده در راستای منافع خود و خروج از شرایط کنونی استفاده کنیم. این در حالی است که اگر به اجلاس‌های منطقه‌ای نگاه کنیم، معمولاً از جمهوری اسلامی ایران دعوت نمی‌شود و سعی می‌کنند ایران را نادیده بگیرند. خب، الان ما در شرایط کاملاً عکس قرار داریم. وقتی از ما دعوت کردند، یعنی ما را به رسمیت شناختند و می‌دانند که جمهوری اسلامی ایران چه قدرت نفوذ و توانایی دارد. پس چرا ما از این فرصت استفاده نکردیم؟ بعد شما شاهد هستید که حتی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، از نقش ایران در این موقعیت تشکر می‌کند. مقامات حماس هم به بیانه‌های خود از نقش جمهوری اسلامی ایران برای این آتش‌بس تشکر می‌کنند و سران حماس هم در سخنرانی‌های خود به این موضوع اشاره کردند. پس فضا کاملاً مساعد بود و شرایط کاملاً مهیا بود که از این فرصت نهایت استفاده را می‌کردیم و واقعاً یکی از بزرگ‌ترین سؤالاتی که شکل گرفته این است که با چه منطقی و با چه نظرخواهی از چه کارشناسانی، در نهایت وزارت خارجه تصمیم گرفت در این اجلاس شرکت نکند؟

اگر رئیس‌جمهور یا وزیر امور خارجه حاضر نشده، حداقل در سطح پایین‌تر، نماینده‌ای در اجلاس شرم‌الشیخ شرکت می‌کرد.

جالب اینجاست که خود اسرائیلی‌ها هم گفتند نماینده‌ای از آنها در مصر حضور پیدا نخواهد کرد. پس دیگر نگرانی بابت این خط قرمز هم نداشتیم...

دقیقاً، چون اگر نگرانی وجود داشت که احتمالاً نماینده‌ای از اسرائیل حضور پیدا می‌کرد، شاید می‌توانستیم آن زمان موضوع را طور دیگری بررسی کنیم. اما وقتی خود اسرائیلی‌ها هم می‌گویند نماینده‌ای از آنها حضور پیدا نخواهد کرد، پس دیگر دغدغه و موضوع نگران‌کننده‌ای وجود نداشت. به هر حال، اگر رئیس‌جمهور یا وزیر امور خارجه شرکت نمی‌کرد، می‌توانستیم در یک سطح قابل قبول، نماینده‌ای به شرم‌الشیخ بفرستیم. طبیعی است که اگر در آن اجلاس موضوعات دیگری مطرح شد، قطعاً ایران همان‌جا خطوط قرمز خود و ملاحظاتش را مطرح می‌کرد. همه راه‌ها که بسته نیست؛ اصلاً فرض را بر این نگذارید که هیئت ایرانی به اجلاس می‌رفت، فضا را می‌دید و به این نتیجه می‌رسید که ادامه حضور به صلاح نیست و برمی‌گشت. ما چیزی را از دست نمی‌دادیم. اما متأسفانه در عین حالی که با دعوت رسمی از ما، صراحتاً و رسماً به قدرت و توان ایران صحنه گذاشتند، ما از این فرصت عبور کردیم. باز هم تکرار می‌کنم، اصلاً حضور ما در شرم‌الشیخ مصر به معنای مشارکت در روندهای تریسمی غربی و غربی نیست.

البته می‌توان گفت شاید پای موضوع پذیرش ضمنی طرح دو دولتی هم در میان باشد که در لایه زیرین آن به معنای پذیرش اسرائیل از سوی جمهوری اسلامی ایران است...

حتی اگر این هم باشد، مسئله آرمان‌های انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کاملاً مشخص است. من گفتم و دوباره تکرار می‌کنم، می‌توانستیم حضور پیدا کنیم و همان‌جا ملاحظات و خطوط قرمز خودمان را هم تکرار کنیم. قرار نیست که حضور ما به معنای پذیرش دو دولتی باشد یا به معنای صحنه گذاشتن بر تمام مفاد طرح ترامپ باشد یا به معنای پیوستن به پیمان ابراهیم باشد یا خیلی چیزهای دیگر. خیر، این یک فرصت برای ما بود که از تریبون اجلاس شرم‌الشیخ، مواضع رسمی خودمان را دوباره تکرار کنیم. مسئله مهم‌تر اینجاست که با توجه به وضعیت داخل، ما باید هرچه سریع‌تر از این شرایط خارج شویم. باید به دنبال روزنه و فضایی باشیم که بن‌بست کنونی را کنار بگذاریم. وقتی خود کشورهای رسماً ما را دعوت می‌کنند که اتفاق تقریباً کم‌سابقه‌ای است، چرا ما آن را کنار گذاشتیم؟

شاید این تصور هم وجود داشته باشد که بعد از جنگ ۱۲روزه و بازگشت قطع‌نامه‌های شش‌گانه شورای امنیت، حضور ایران در اجلاس شرم‌الشیخ ارسال یک پالس ضعف باشد. شما چنین تصویری دارید؟

اصلاً در عالم دیپلماسی، پالس ضعف معنا ندارد. من گفتم و دوباره تکرار می‌کنم، وضعیت کشور به‌گونه‌ای نیست که اجازه دهیم این فرصت‌ها به‌راحتی از دست ما ب‌رسود. مگر در همین نشست مجمع عمومی سازمان ملل درباره به رسمیت شناختن کشور فلسطینی ذیل راه‌حل دو دولتی تصمیم‌گیری نشد؟ مگر ایران شرکت نکرد و در عین حال خطوط قرمز خود را مطرح نکرد؟ چطور آن اقدام ارسال پالس ضعف نبود. اما حضور در نشست شرم‌الشیخ پالس ضعف است؟ ببینید، اولین بار نیست که



ما در چنین نشست‌ها و اجلاس‌هایی شرکت و نظرات خودمان را هم اعلام می‌کنیم. مسئله فلسطین جزء محور و ستون سیاست خارجی ایران است. باید ما در اجلاس شرم‌الشیخ شرکت می‌کردیم و ملاحظات خودمان را هم می‌گفتمیم. اصلاً به‌هیچ‌عنوان تحریم نشست‌ها و اجلاس‌ها و شرکت‌نکردن در راستای منافع ما نیست. ما باید حضور فعال داشته باشیم و نقش خودمان را پررنگ‌تر و جدی‌تر پی بگیریم. اصلاً به صلاح نیست که بخواهیم در سایه و حاشیه حرکت کنیم و منتظر باشیم دیگران درباره ما تصمیم‌گیری کنند تا در نهایت خواسته و دیدگاه خود را به ما تحمیل کنند. طبیعتاً نتیجه تحریم اجلاس شرم‌الشیخ این خواهد بود که در غیاب ما، برای ما تصمیم‌گیری می‌کنند. وقتی می‌بینید کشورهای اروپایی و آمریکایی در یک ائتلاف‌سازی به دنبال آن هستند که ایران را بازبرگ مخل امنیت بین‌المللی معرفی کنند، خب چرا نباید در نشست صلح برای پایان‌دادن به کشتار جنایت اسرائیل در غزه شرکت می‌کردیم؟ حضور ما نشان می‌داد که واقعا به دنبال صلح هستیم و کسی نمی‌توانست این‌گونه القا کند که ایران مخالف پایان کشتار در نوار غزه است. اما اکنون در غیاب ما، هرگونه تفسیری بخواهند مطرح می‌کنند، در داخل هم عدم حضور ما تفسیرهای سیاسی متعددی را به دنبال داشت. پس چرا این فرصت اکنون تبدیل به یک تهدید شد؟ مسئله مهم‌تر روابط منطقه‌ای است. ما می‌توانستیم در نشست‌های حاشیه‌ای، روابط خود را با کشورهای منطقه‌ای توسعه دهیم. وقتی رئیس‌جمهور مصر شخصاً از همای ایرانی خود دعوت می‌کند، واقعا یک گام مثبت و کم‌سابقه در ارتقای روابط تهران و قاهره بود. اصلاً ترامپ، راه‌حل دو دولتی و دیگر مسائل را کنار بگذاریم، چرا از این فرصت برای ارتقای روابط استفاده نشد؟ همه اینها فرصت است. ما چه کار باید می‌کردیم که نقش‌مان در منطقه رسماً از سوی بازیگران پذیرفته نمی‌شد؟ فارغ از نگاه انقلابی و محور مقاومت که با یک قرائت سخت‌افزارانه توانستیم پیش برویم، الان باید از مسیر دیپلماسی حرکت کنیم. در کنار حفظ وضعیت مقاومتی، باید از این فرصت‌ها استفاده کنیم.

نقدی هم به عراقچی داشته باشیم. وزیر امور خارجه ایران اعلام کرد تهران از دعوت «عبدالفتاح السیسی»، رئیس‌جمهور مصر، برای شرکت در اجلاس شرم‌الشیخ قدردانی می‌کند. باین‌حال تأکید کرد که «نه رئیس‌جمهور پزشکیان و نه من نمی‌توانیم با همتایانی وارد تعامل بشویم که به مردم ایران حمله کرده و همچنان به تهدید و تحریم ما ادامه می‌دهند». مگر ما تجربه مذاکره و توافق با رژیم بعث عراق هم در حاله کرد و شاهد کشتار دیپلمات‌ها در مزارشریف بودیم و اکنون این سطح از روابط با طالبان و جمهوری اسلامی ایران را می‌بینیم؟ چطور آن مذاکرات و توافقات توجیه می‌شد، اما الان عراقچی این‌گونه موضوع را تحلیل می‌کند؟ اصلاً چرا باید عراقچی فاکتور عدم حضور در شرم‌الشیخ را پای مردم بنویسد؟

اول اینکه قرار آقای عراقچی سعی کرده این مسئله را به مردم منتقل دهد، باید پاسخش را از خود وزیر امور خارجه بگیریم، نه از من. اما تحلیل‌تان کاملاً درست است. اصلاً به موضوع جنگ تحمیلی و مذاکرات با رژیم بعث یا مذاکرات و روابط جمهوری اسلامی ایران مگر همین دولت دونالد ترامپ، رفتار خصمانه‌نداشت؛ پس چرا دولت پزشکیان با اجازه و چراغ سبز نهادهای بالادستی، پنج دور مذاکرات را در ایتالیا و عمان پی گرفت؟ این همان دولت است؛ پس اینجا توجیهی از این دست توسط عراقچی به هر فرد دیگری معنا ندارد؛ که آمریکا به ما حمله کرد و ما را تحریم کرده است. در دیپلماسی، خط قرمز وجود ندارد. اگر ملاک بر این است که براساس عملکرد آمریکایی‌ها مذاکره بکنیم یا نکنیم، که از همان ابتدای انقلاب، آمریکا اقداماتی انجام داده است که نباید مذاکره می‌کردیم، اما هر بار پای مذاکره می‌نشتم. این‌گونه تحلیل‌ها واقعاً نه واقع‌بینانه و دقیق و علمی است و نه مورد پذیرش. اگر دلایل و عوامل دیگری باعث شده است که در نهایت تصمیم بر این باشد که رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه شرکت نکنند، مسئله دیگری

است.

گزارش

محسنی اژه‌ای: دشمن درصدد حق جلوده‌دادن باطل است

قاضی‌القضات با اشاره به اهمیت و ضرورت مراقبت نسبت به مواضع اتخاذهی و سخنان بر زبان جاری، تصریح کرد: باید بسیار مراقب مواضعی که اتخاذ می‌کنیم و سخنانی که بر زبان می‌رانیم باشیم؛ در موارد دو موقعی، انسان از مواضع برخی اشخاص، حقیقتاً متعجب می‌شود؛ همگان باید بسیار مراقبت کنیم و هیچ‌گاه به خود غرّه نشویم و به یاد بیاوریم شخصیت‌هایی از ابتدای انقلاب بودند که مراتبی از فضل را طی کرده، اما مع‌الأسف عاقبت نیکویی پیدا نکردند. به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی‌اژه‌ای، دیروز طی سخنانی در نشست شورای عالی قوه قضائیه، ضمن اشاره به تحرکات دشمن در

حوزه جنگ روانی و عملیات ایدایی در این عرصه، اظهار کرد: دشمنان ما و در صدر آنها آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها از توطئه‌ها و دسایس اخیر خود علیه ملت ایران و همچنین تجاوز نظامی به کشورمان، طرفی نیستند و اغراضشان در نتیجه این شرارت‌ها محقق نشد؛ فلذا آنها اکنون بر روی مسائل داخلی ایران متمرکز شده‌اند و تلاش دارند با عملیات روانی و شایعه‌پراکنی و بعضاً مخلوط‌کردن و امتزاج حق و باطل، اذهان ما را در داخل مشغول سازند و منحرف کنند تا از رسیدگی به مسائل اولویت‌دار غافل شویم. رئیس دستگاه قضا ضمن تشریح حربه‌های دشمن در جنگ روانی بیان کرد: دشمن درصدد فتنه‌انگیزی، فریبکاری، برجسته‌سازی مسائل کوچک و حق جلوده‌دادن باطل است؛ بنابراین نیاز به هوشیاری و مراقبت کامل و اهتمام به امر جهاد تبیین است؛ با تبیین‌گری و آگاه‌سازی و اهتمام در نشر حقایق، تیر دشمن در این توطئه نیز به سنگ خواهد خورد؛ در عین حال، باید به مسائل و ابعاد حوزه نظامی نیز توجه وافر داشته باشیم. دشمن می‌خواهد ما را مشغول و سرگرم مسائل فرعی و دست‌چندم کند تا از مسائل اصلی بازماندیم؛ باید به این حربه دشمن توجه ویژه داشته باشیم. رئیس عدلیه با اشاره به مقوله عدالت اجتماعی و ارتباط مستقیم آن با موضوع عدالت اقتصادی گفت: همچنان عدالت اجتماعی یکی از موضوعات مورد اهتمام و دارای اولویت در نظام ماست و این فقره از عدالت با موضوع عدالت اقتصادی قرین و عجین است. عدالت اقتصادی ما باید منجر و منتهی به تحقق معیشت آبرومندان، متناسب و پایدار برای مردم باشد. قاضی‌القضات از ادامه سخنانش در نشست امروز، ضمن گرامیداشت چهل‌وچهارمین سالگرد تأسیس سازمان بازرسی کل کشور، اظهار کرد: سازمان بازرسی کل کشور در بسط و گسترش عدالت اجتماعی، اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌ها و همچنین جلوگیری از انحرافات و عوجاجات و فسادها، نقش اساسی و تعیین‌کننده دارد؛ این سازمان در طول دهه‌های گذشته تا به امروز تلاش‌های نافع و مطلوبی را در راستای ایفای مسئولیت‌های قانونی‌اش انجام داده است. درحال‌حاضر نیز سازمان مذکور با عنایت و اهتمام به مفاد سند تحول و تعالی دستگاه قضا، به‌صورت منسجم و برنامه‌محور، با بهره‌گیری از اندوخته‌ها و تجارب ارزنده گذشته و ایضا تجهیز به ابزارها و روش‌های علمی و حرفه‌ای، به شناسایی و کشف نقاط ضعف و زمینه‌ها و کلوگاه‌های فساد مبادرت می‌ورزد و بحمدالله تاکنون توفیقات خوبی توسط این سازمان حاصل شده است. محسنی‌اژه‌ای اظهار کرد: جا دارد از اقدامات و تدابیر دکتر خدائیان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور و همکارانشان کمال قدردانی را داشته باشیم و توصیه کنم که سازمان بازرسی همان‌طور که تاکنون به بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی برای ایفای وظایف قانونی‌اش اهتمام داشته است، کمافی‌السابق و حتی با قوت و شدت بیشتر از ظرفیت‌های مردمی بهره گیرد و از نقطه‌نظرات نخبگان و دلسوزان هرچه بیشتر برخوردار و مستفید شود.